

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحركات روسیه و امریکا در سوریه؛ همسان بازی موش و گربه!



(ترجمه)

پرسش :

می‌دانیم که روسیه در هماهنگی با امریکا و یا به دستور آن، وارد سوریه شد تا از سقوط نظام سوریه جلوگیری نموده و فضاء را برای راه‌حل سیاسی-نزاع با مخالفان-آماده نماید. اما در عین حال دیده می‌شود که امریکا به نوعی از سهم‌گیری در تلاش‌های روسیه برای کنارهم نشانیدن نظام و مخالفان در آستانه و سوچی و سائر اماکن، خود داری نموده و اگر حضور هم داشته، تنها جهت پیگیری اوضاع مانند اردن، بوده و بس؛ یعنی این‌که امریکا در قضیه سوریه، روس‌ها را با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد؛ پس تفسیر این برخورد دو گانه چیست؟

پاسخ :

تفسیر این مسئله را می‌توان در دو کلمه خلاصه نمود: غرور امریکا و حماقت روسیه، که شرح آن قرار ذیل است:

این دقیق است که مداخله روسیه در هماهنگی و یا به دستور امریکا و به مصلحت آن صورت گرفت؛ در بیانیه‌ای که به تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۱۵م منتشر نموده بودیم، در این خصوص چنین گفته بودیم: «...این‌جا بود که امریکا در تنگنا قرار گرفت؛ زیرا از یک طرف طوری وانمود می‌کند که انگار در کنار انقلابیون بوده و از آنان حمایت می‌کند؛ بناً برایش مشکل است که به صورت علنی علیه آنان بجنگد و این در حالی است که انقلابیون، دولت سوریه را سخت ضربه زده اند؛ از جانب دیگر، بدیلی که امریکا در سوریه دنبال آن است، هنوز به پختگی نرسیده است. این‌جا بود که آن بازی کثیف و خونین روی دست گرفته شد و مسئولیت انجام آن بر دوش

روسیه گذاشته شد و روسیه مؤظف شد تا علناً از نظام حاکم در سوریه پشتیبانی نموده و با انقلابیون به جنگ بپردازد. نظام سوریه به دستور امریکا رسماً از روسیه درخواست کمک نمود و روسیه با این توجیه (درخواست دولت سوریه) به جنگ با انقلابیون پرداخت. بناً روسیه پذیرفت که این نقش شرارت‌آمیز و کثیف را در سوریه و برای خدمت به امریکا بازی نماید.»

ویز این موضوع را در پاسخ به پرسشی که به تاریخ ۱۸ نومبر ۲۰۱۵ م زیر عنوان "آخرین تحولات عرصه سوریه" منتشر نمود بودیم، بیشتر واضح نمودیم و آن‌جا گفته بودیم: «تجاوز روسیه در سوریه که به تاریخ ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۵ م آغاز گردید، درست یک روز پس از نشست اوپاما و پوتین به تاریخ ۲۹ سپتمبر ۲۰۱۵ م که ۹۰ دقیقه ادامه داشت، صورت گرفت. در بخش نخست این نشست، روی اوضاع اوکراین گفتگو صورت گرفت و در ادامه دو رئیس جمهور بالای اوضاع سوریه تمرکز نمودند. نتیجه این دیدار فوراً و درست یک روز بعد به تاریخ ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۵ م ظاهر گردید و شورای اتحاد روسیه با اتفاق آراء با درخواست پوتین مبنی بر استفاده از نیروهای هوایی روسیه در سوریه موافقت نشان داد.» (منبع: روسیه امروز ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۵ م)

حتی مواضعی را که روسیه در خاک سوریه هدف قرار می‌داد، اکثراً با هماهنگی امریکا بود، چنان‌چه تلویزیون سی ان ان به تاریخ ۴ اکتوبر ۲۰۱۵ م به نقل از جنرال اندری کارتاپولوف که یکی از مسئولین نظامی رهبری ارکان در اردوی روسیه است، مؤرخ ۳ اکتوبر ۲۰۱۵ م گزارش داد که وی گفت: «مناطق که توسط سلاح هوایی روسیه در سوریه هدف قرار گرفته قبلاً توسط مسئولین نظامی امریکا به مسکو به صفت مناطقی معرفی گردید که تنها تروریستان در آن مستقر می‌باشند.» آژانس "تاس روسیه" نیز به نقل از جنرال یاد شده چنین گزارش داد: «ایالات متحده از طریق تماس‌های مشترکی که داشتیم، به ما اطلاع داد که هیچ کس دیگری به جزء تروریستان در این منطقه حضور ندارد.»

به این ترتیب، امریکا روسیه را وارد سوریه نمود تا نظام حاکم آن را حمایت نموده و فضاء را برای راه‌حلی متناسب با خواست امریکا فراهم نماید؛ نه این‌که خود روسیه به عنوان یگانه طرف دخیل و مسلط بر اوضاع، دنبال ساختن راه‌حلی برای این کشور باشد. اما روسیه به دلیل حماقت و نادانی سیاسی که دارد، پس از اقدامات وحشیانه‌ای که در سوریه انجام داد و توانست از سقوط نظام جلوگیری نماید، گمان نمود که می‌تواند راه‌حل سیاسی را نیز اداره نماید و هرگز تصور نمی‌کرد که امریکا با آن مخالفت می‌نماید؛ بلکه باورش این بود که امریکا به دلیل نقش وحشیانه‌ای که روسیه در سوریه بازی نموده، قطعاً در هر فیصله‌ای با آن موافقت خواهد نمود.

روسیه بر اساس همین گمان غلط و تصور احمقانه‌ای که دارد، گردهمائی‌های آستانه و سوچی را راه‌اندازی نموده، گروه‌های مختلف را بدان فراخواند و در این زمینه برنامه‌ریزی‌هایی نمود، و از امریکا نیز خواست تا در این گردهمائی‌ها مشارکت نموده و نقش برجسته‌ای را بازی نماید. چنان‌چه بیسکوف در اظهاراتی گفت: «در خصوص حل بحران سوریه در این اواخر پیشرفت‌هایی مثبتی صورت گرفته، اما ایجاب می‌کند که برای رسانیدن این پیشرفت‌ها در سطوح و نوعیت جدید، تلاش‌های مشترکی صورت گیرد و لازمه این کار، تعامل میان روسیه و ایالات متحده است که به شکلی از اشکال باید انجام شود.» (منبع: اورینت نیوز ۴ نومبر ۲۰۱۷ م)

روسیه امیدوار بود تا بتواند در جریان نشست اوپک که به تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۱۷ م در ویتنام برگزار شد، زمینه دیدار پوتین و ترامپ را فراهم نماید؛ چنان‌چه به تکرار و به صورت علنی خواستار چنین دیداری میان دو رئیس جمهور شد. این درخواست‌های روسیه

هم‌چنان ادامه داشت، در حدی که حتی در جریان نشست اوپک نیز مطرح گردید، که خود به نوعی شدت نیاز روسیه به هماهنگی با امریکا در قضیه سوریه را نشان می‌دهد؛ اما امریکا این درخواست‌ها را نپذیرفت و تنها موافقت نمود که بیانیه مشترکی از جانب دو رئیس‌جمهور منتشر گردد؛ طوری که انگار چنین دیداری صورت گرفته است، در حالی که چیزی در حد یک دیدار نبوده؛ بلکه آنچه صورت گرفت، این بود که بیانیه مشترکی توسط آگاهانی از دو طرف تهیه شد و دو رئیس‌جمهور مختصراً در برابر رسانه‌ها با هم دست دادند، که این نیز نمونه‌ای از التماس‌های ذلیلانه روسیه از امریکا است.

شکی نیست، روسیه به خوبی می‌داند و بدون امریکا هرگز قادر نیست تا این مسئله را حل و فصل نماید. به همین دلیل است که درخواست‌های پی‌هم را به جانب امریکا به امید این که پذیرفته شود، می‌فرستد. چنان‌چه قبلاً اشاره نمودیم؛ درخواست‌های روسیه از امریکا برای دیدار پوتین با ترامپ، به نوعی ذلیلانه و به گونه التماس آمیز مطرح گردید.

از آن جایی که روسیه عجله دارد تا قضیه سوریه را زودتر یک‌طرفه نماید، پوتین، بشار اسد جنایت‌کار را به سوچی فراخوانده و به تاریخ ۲۰ نومبر ۲۰۱۷ م با وی دیدار نمود، سپس به تاریخ ۲۱ نومبر ۲۰۱۷ م با ترامپ تماس گرفته و وی را از جریان دیدارش با بشار باخبر نمود. شبکه روسیه امروز، چنین گزارش داد: «ولادیمیر پوتین امروز سه شنبه در تماسی تلفونی با همتای امریکائی‌اش، دونالد ترامپ، روی بحث بحران سوریه تمرکز نموده و در مورد نتایج دیدارش با بشار اسد سخن گفت.» (منبع: روسیه امروز ۲۱ نومبر ۲۰۱۷ م)

به این ترتیب، روسیه به سرعت و با تمام توان تلاش دارد تا بحران سوریه را حل و فصل نماید و مثل همیشه گمان می‌کند که یگانه نیروی بزرگی است که در این بحران در کنار امریکا قرار دارد. بنابر این، دیده می‌شود که با دلهره‌گی و اشتیاق تمام در پی ایجاد راه‌حل سیاسی است که باید امروز و قبل از فردا مطرح گردد؛ زیرا این کار مناسب‌ترین راهی است که روسیه می‌تواند با استفاده از آن خودش را از این معضله نجات دهد؛ زیرا در راه‌حل سیاسی، هزینه‌های سنگینی که روسیه در عرصه‌های گوناگون متقبل می‌شود- به ویژه هزینه‌های اقتصادی ناشی از مشارکت نظامی - متوقف خواهد داد.

با توجه به تمام موارد ذکر شده، روسیه پیش‌گام شده، نشست‌هایی را پیشنهاد نمود که به گمان‌اش راه را به سوی حل سیاسی بحران سوریه هموار خواهد نمود، چنان‌چه بشار را به روسیه فراخواند، سپس اردوغان و روحانی را و اینک سرگرم برنامه‌ریزی برای فراخوانی به جانب نشستی با اشتراک آن‌چه که آن را "تمام اقشار مردم سوریه" می‌نامد، می‌باشد، تا راه‌حلی برای این بحران جستجو نمایند.

روسیه تلاش دارد، برای نزدیک‌تر نمودن راه‌حل سیاسی با سرعت بیشتر، امریکا را نیز وادار نماید تا در این نشست شرکت نماید، چنان‌چه اعلام نمود که قصد دارد شماری از نیروهایش را از سوریه بیرون نماید. جیراسیموف رئیس‌ارکان نیروهای مسلح روسیه در اظهاراتی گفت: «به گمان اغلب، شمار نیروهای نظامی روسیه در سوریه تا حد زیادی کاهش خواهد یافت و احتمالاً این‌کار پیش از پایان سال جاری میلادی آغاز می‌شود.» (منبع: یورو نیوز ۲۳ نومبر ۲۰۱۷ م)؛ اما امریکا پاسخ دادن به فراخوانی روسیه را هم‌چنان به تأخیر می‌اندازد.

این است بازی که امریکا در قضیه سوریه با روس‌ها به راه انداخته؛ یعنی آنان را در منجلاب سوریه تنها گذاشته، درخواست‌هایش را نادیده می‌گیرد و در بسیاری از مسائل با آنان هماهنگی نمی‌کند، به‌جز موارد اندکی که آن‌ها هم از طریق وابسته‌گان امریکا صورت می‌گیرد.

از آن‌چه گفته شد، چنین بر می‌آید که تمام تلاش‌های روسیه برای رهبری نمودن حل سیاسی بحران سوریه محکوم به شکست و ناکامی می‌باشد؛ زیرا روسیه عملاً توسط امریکا در منجلاب بزرگی در سوریه گیر افتاده است. امریکا در مورد این منجلاب حرفی به زبان نمی‌آورد و روسیه را تشویق می‌کند تا کارش را به صفت یکی از ابزارهای تسلط امریکا در سوریه علیه انقلابیون و روند بیداری اسلامی در آن‌جا هم‌چنان ادامه دهد و بدون این‌که در حل این بحران، هیچ‌گونه نقش رهبری‌کننده‌ای را داشته باشد؛ اما امریکا این هدف را زیاد برجسته نمی‌کند، چنان‌چه در نشست‌ها و کنفرانس‌هایی که در مسکو و سوچی برگزار می‌گردد، مشارکت می‌کند.

پیش از آن‌که مسیر روسیه با امریکا روشن گردد، تمام پیشنهادهای روسیه برای حل بحران سوریه باید ناکام و عاجز ثابت شده و خواستار مشارکت امریکا شود. زمانی که تمام مواد حل قضیه سوریه به خوبی آماده و پخته گردد، آنگاه انتظار می‌رود که امریکا مستقیماً و از طریق سازمان ملل و یا از طریق دولت‌های مربوط و وابسته به خودش در منطقه پا پیش گذاشته و در حل این بحران اقدام نماید.

این است تحرکات روسیه و امریکا در سوریه-بازی موش و گربه- و نباید فراموش کنیم که این تحرکات به خواست الله سبحانه و تعالی قابلیت مهار شدن و شکست خوردن را توسط مسلمانان دارد، در صورتی که گروه‌های مسلح بتوانند استقامت نموده و روابطشان را با مزدوران منطقه‌ای امریکا، به ویژه ترکیه و سعودی قطع نموده و با صداقت و اخلاص در کنار یک‌دیگر قرار گرفته و با چنگ زدن به ریسمان مستحکم الله سبحانه و تعالی علیه استعمارگران و مزدوران‌شان به مبارزه ادامه دهند. آنگاه است که سوریه به خواست الله سبحانه و تعالی، تمام آرزوها و آرمان‌های امریکا و روسیه را با خاک یکسان نموده و پشت‌شان را خواهد شکست و آنان با ذلت و سرافکندگی تمام، از این سرزمین مقدس بیرون رفته و پشت سرشان را هم نگاه نخواهند نمود. این کار بر الله عزیز و مقتدر قطعاً دشوار نیست.

۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۹ هـ.ق

۹ دسمبر ۲۰۱۷ م